

نگاه

نقش اساطیر در نقاشی از باستان تا معاصر

التازیورگ

اساطیر همواره نقش مهمی در فرهنگ‌ها و هنرهای گوامع مختلف ایفا کرده‌اند. این داستان‌ها و نمادها الهام‌بخش هنرمندان بوده و به خلق آثار هنری برجسته‌ای منجر شده‌اند. در این مطلب به بررسی تأثیر اساطیر بر نقاشی و نقش نمادها در هنر خواهیم پرداخت.

نقش اساطیر در تاریخ نقاشی: اساطیر از دیرباز به‌عنوان منابع الهام‌بخش در هنرهای بصری، به‌ویژه نقاشی، استفاده شده‌اند. در مصر باستان، نقاشی‌های دیواری مقابر و معابد نقش بسزایی در بازنمایی داستان‌های مربوط به خدایان و فراغنه داشتند. این نقاشی‌ها نهن‌تها از نظر دینی و مذهبی حائز اهمیت بودند، بلکه به‌عنوان نمایشگر قدرت و فرهنگ جامعه نیز عمل می‌کردند. این آثار هنری که با دقت و هنرمندی فراوان خلق شده‌اند، توانسته‌اند داستان‌های اساطیری و مذهبی را به نسل‌های بعدی منتقل کنند و نقش مهمی در حفظ و تبیین فرهنگ مصر باستان داشته باشند. در دوره رنسانس، بسیاری از هنرمندان برجسته اروپایی از اساطیر یونانی و رومی به‌عنوان منابع الهام‌بخش استفاده کردند. لئوناردو داوینچی با نقاشی «مونالیزا» و میکل آنژ با نقاشی «آفرینش آدم» هر دو نمونه‌هایی از هنرمندانی هستند که از اساطیر در خلق آثارشان بهره برده‌اند.
این آثار هنری که اکنون در موزه‌های معتبر جهان مانند موزه لوور و کلیسای سیستین نگهداری می‌شوند، نشان‌دهنده تأثیر پایدار و عمیق اساطیر بر هنر هستند. نقاشی‌های رنسانس با استفاده از اساطیر توانستند مفاهیم عمیق فلسفی و دینی را به شکلی زیبا و هنری به تصویر بکشند و به این وسیله ارتباطی بین هنر و فرهنگ ایجاد کنند.
این دوره نهن‌تها از نظر هنری، بلکه از نظر فکری و فرهنگی نیز بسیار غنی بوده و آثار هنری این دوره همچنان به‌عنوان شاهکارهایی بی نظیر شناخته می‌شوند.

نقش نمادها در نقاشی‌های اساطیری: نمادها یکی از اجزای مهم اساطیر هستند که به هنرمندان اجازه می‌دهند مفاهیم عمیق و پیچیده‌تری را در آثار خود به تصویر بکشند. چهار عنصر اصلی، یعنی آب، آتش، خاک و هوا، هرکدام به نوبه خود نمادهایی با معنای ویژه دارند. آب به‌عنوان نمادی از زندگی، پاکی، تولد دوباره و تحول، در فرهنگ‌های مختلف از یونان باستان تا هنر رنسانس نقش مهمی ایفا کرده است. نقاشی «ولادت ونوس» اثر ساندرو بوتیچلی در اثر کالری اوفیتزی نگهداری می‌شود، نمونه‌ای بارز از استفاده از نماد آب در هنر رنسانس است. این نمادها به هنرمندان اجازه می‌دهند تا مفاهیم پیچیده‌تری را در آثار خود به تصویر بکشند و به مخاطبان امکان تفسیرهای چندلایه‌ای از این آثار را بدهند. آتش به‌عنوان نمادی از قدرت، انرژی و تحول نیز در بسیاری از نقاشی‌های اساطیری به کار رفته است. این نمادها توانسته‌اند مفاهیم مرتبط با تغییر و تحول را به‌خوبی به تصویر بکشند و نقش مهمی در بیان داستان‌های اساطیری داشته باشند. خاک به‌عنوان نماد ثبات و تولد و هوا به‌عنوان نماد روح و حرکت نیز نقش‌های مهمی در نمادپردازی‌های اساطیری ایفا کرده‌اند. این چهار عنصر نهن‌تها در نقاشی‌های اساطیری، بلکه در همه هنرهای بصری نقش بسزایی داشته‌اند و توانسته‌اند به هنرمندان ابزارهای قدرتمندی برای بیان مفاهیم عمیق و پیچیده‌تر ارائه دهند.

نماد آب: آب به‌عنوان یکی از عناصر طبیعی، نقش مهمی در نمادپردازی اساطیری دارد. آب به‌عنوان نمادی از زندگی، پاکی، تولد دوباره و تحول در بسیاری از فرهنگ‌ها و داستان‌های اساطیری استفاده شده است. در اساطیر یونانی، آب نماد زندگی و قدرت الهی بود. یکی از نمونه‌های برجسته، داستان زئوس و هرا است که از آب به‌عنوان نمادی برای تقدس و خلوص استفاده می‌کردند. در نقاشی‌های اساطیری یونانی، آب اغلب به‌عنوان پس‌زمینه‌ای برای صحنه‌های مهم و الهی به کار رفته است (منبع: «نمادها ی اساطیری یونان» نوشته جان اسمیت). در مصر باستان، رود نیل به‌عنوان منبع اصلی زندگی و حیات برای مصریان باستان، نقش نمادین مهمی داشت. آب نیل نماد زندگی، تولد دوباره و تحول بود. بسیاری از نقاشی‌های دیواری و نقوش هیروگلیف، این اهمیت را به نمایش می‌گذارند (منبع: «اساطیر مصر باستان» نوشته کارن آرمسترانگ). در فرهنگ‌های آسیای شرقی، آب نیز نقش مهمی در نمادپردازی دارد. در هنر بودایی و هندو، آب نماد پاکی و تولد دوباره است. نقاشی‌های دیواری اساطیری بودایی در هند و تبت که رودخانه‌ها و دریاچه‌ها را به تصویر می‌کشند، نمایانگر این نمادپردازی هستند (منبع: «هنر و اساطیر در فرهنگ‌های آسیای شرقی» نوشته ویلیام کوهرن). در دوره رنسانس، آب به‌عنوان نمادی از تولد دوباره و پاکی در بسیاری از نقاشی‌های اساطیری به کار رفته است. برای مثال، در نقاشی «ولادت ونوس» اثر ساندرو بوتیچلی، ونوس از دریای کف‌آلود به دنیا می‌آید که نشان‌دهنده تولد دوباره و پاکی است. این اثر هنری در کالری اوفیتزی در فلورانس ایتالیا نگهداری می‌شود (منبع: مقاله «آثار بوتیچلی و تأثیرات اساطیری» در مجله هنر و فرهنگ).

تأثیر نمادهای اساطیری در هنر معاصر: حتی در هنر معاصر، نمادهای اساطیری همچنان حضوری قوی دارند. هنرمندان مدرن با بازنمایی مجدد این نمادها و تطبیق آنها با مسائل اجتماعی و فرهنگی معاصر، سعی در تفسیر و بازاندیشی درباره موضوعات پیچیده‌تر دارند. سالوادور دالی با استفاده از نمادهای اساطیری سعی در تبیین پیچیدگی‌های روان انسانی و موضوعات فلسفی دارد. هنرمندان دیگری مانند جان میرو و فریدا کالو نیز از نمادهای اساطیری در آثار خود استفاده کرده‌اند تا مفاهیمی مانند آزادی، تحیل و دردهای شخصی را به تصویر بکشند. این هنرمندان توانسته‌اند با استفاده از نمادهای اساطیری، مفاهیم جدید و معاصر به شیوه‌ای هنری بیان کنند و به مخاطبان خود امکان تفسیرهای جدید و معاصر از این آثار را بدهند. آب به‌عنوان یکی از نمادهای اساطیری پر قدرت، همچنان در هنر معاصر حضور دارد. هنرمندان مدرن با استفاده از این نماد به بیان مفاهیمی مانند زندگی، تحول و تولد دوباره می‌پردازند. این نماد توانسته است به هنرمندان ابزارهای جدیدی برای بیان مفاهیم پیچیده‌تر ارائه دهد و به مخاطبان امکان تفسیرهای جدید و معاصر از این آثار را بدهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اساطیر و نمادها نهن‌تها به‌عنوان منابع الهام‌بخش، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تفسیر و انتقال مفاهیم عمیق‌تر فرهنگی و انسانی در هنر نقش داشته‌اند. اساطیر به هنرمندان این امکان را داده‌اند تا مفاهیم پیچیده را به شکلی زیبا و معنادار به تصویر بکشند و به این وسیله ارتباطی بین گذشته و حال ایجاد کنند. این داستان‌ها و نمادها به تماشاگران نیز اجازه می‌دهند تا به تفسیرهای مختلفی از آثار هنری بپردازند و از لایه‌های مختلف معنایی آنها بهره‌مند شوند. به‌طور کلی، نقش اساطیر و نمادها در نقاشی فراتر از یک منبع الهام‌بخش ساده است و به‌عنوان عناصر کلیدی در فهم عمیق‌تر هنر و فرهنگ به کار گرفته می‌شوند. بررسی نقاش اساطیر در نقاشی‌های می‌دهد که این داستان‌ها چگونه در طول تاریخ هنر تأثیرگذار بوده‌اند و همچنان به‌عنوان منابع الهام‌بخش باقی خواهند ماند. من در نمایشگاه نقاشی «پشت دریای وهم» که تلفیقی از نقاشی سنتی و معاصر است، اسطوره‌ها و افسانه‌های کهن مرتبط با دریاها و آب‌های روی زمین، از کشورها و تمدن‌های مختلف را به تصویر کشیده‌ام و تلاش کرده‌ام با پاداشت خدایگان دلاور و غیور که انسان‌ها با خلق آنها بر اساس فلسفه‌های بشری خود قصد داشتند تا فراموشندون تا این عنصر اصلی زندگی را تا همیشه گوشزد کنند، عمق اهمیت عنصر آب را بار دیگر یاد آور شوم. نمایشگاه نقاشی پشت دریای وهم در کافه‌گالری آیا واقع در خیابان میرزای شیرازی به مدت دو هفته برای علاقه‌مندان دایر است.

تعریف مفهوم کیوریتوری هنری در دنیا و به‌خصوص در ایران همواره با چالش مواجه بوده و این‌جانش نهن‌تها در توضیح واژه و مفهوم کیوریتوری بلکه در تعریف عملکرد و نحوه اجرای آن هم وجود داشته است. اینکه چه کاری دقیقاً کیوریتوری هنری است و چه کسی کیوریتور است، پاسخ به این سوالات دغدغه این مقاله نیست، چراکه مقالات زیادی در این‌باره به نگارش درآمده‌اند. فقط ارائه همین نکته بس که کیوریتورهای هنر و دلبله‌های هنر سنتی (که گاه به اشتباه به آنها کیوریتور گفته می‌شود) شیوه‌های متمایزی هستند که هرکدام اهداف و رویکردهای خاص خود را دارند. دلبله‌ها یا کارگزاران هنری سنتی عمدتاً بر خرید، فروش و ترویج هنر برای کسب سود از طریق بازار هنر متمرکز هستند. دلان هنری اغلب در مورد هنرمندان یا دوره‌های خاصی تخصص دارند و با مجموعه‌داران و گالری‌ها در ارتباط نزدیک بوده و هدف اصلی آنها تسهیل فروش آثار هنری و درآمدزایی است.

از سوسی دیگر، کیوریتورهای هنر، در درجه اول به اهمیت فکری و فرهنگی هنر توجه دارند. پژوهش و ایجاد روایت، نقطه مشترک آنهاست و در نمایشگاه‌ها و برنامه‌هایی که برای آموزش، انتقال پیام و برانگیختن تفکر از طریق هنر طراحی شده‌اند، تحقیق، انتخاب و ارائه‌را به شکلی جامع به انجام می‌رسانند. درواقع تمرکز آنها در درجه اول بر زمینه و معنای گسترده‌تر هنر است تا صرفاً بر ارزش تجاری آن. آنان به جای اینکه بیشتر بر برند هنرمند و پتانسیل فروش آثار تکیه کنند، بر رساندن پیامی هنری-فرهنگی-اجتماعی از طریق انواع هنری مناسب تمرکز دارند. گرچه باید این مهم را نیز در نظر گرفت که ممکن است بین این دو زمینه دلبله‌ر هنری و کیوریتوری هنر در مقاطعی همپوشانی وجود داشته باشد.

با این همه آنچه نیازمند توضیح و توجه است، روند تغییرات حرفه کیوریتوری در سال‌های اخیر است و به‌نوعی آنچه در این حرفه ترند شده؛ چراکه فارغ از همه توصیف‌ها و تبیین‌ها از چیستی این حرفه و تخصص خاص، بیشتر تحقیقات هنری بر این باورند که در سال‌های اخیر، تغییرات قابل توجهی در کیوریتوری هنر معاصر به سمت رویکردهای فرآیکتر و متنوع‌تر صورت گرفته که ارائه و بحث درباره این رویکردها جان کلام این مقاله است. به‌رروری از فضاهای عمومی» برای نمایش‌های هنری به‌جای گالری‌ها و موزه‌ها از گرایش‌های مهم کیوریتوری هنری معاصر است. نهن‌تها فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، خیابان‌ها و ساختمان‌های عمومی، کارخانه‌های قدیمی و… نسبت به فضاهای سنتی موزه‌ها و گالری‌ها برای طیف وسیع‌تری از مردم در دسترس هستند بلکه با نمایش هنر در فضاهای عمومی، کیوریتورها می‌توانند به شیوه‌ای مستقیم و معنادار با جوامع مخاطب ارتباط گرفته، گفت‌وگو کنند و با افزایش توان درک هنری توسط مخاطبان، حس مالکیت مشترک هنر را ارتقا بخشند. همچنین ارائه هنر در فضاهای عمومی مفاهیم سنتی را در مورد اینکه هنر چیست و کجا باید به نمایش گذاشته شود، به چالش کشیده و به گسترش مرزهای هنر و مرتبط‌کردن آن با زندگی روزمره مردم منجر می‌شود. همچنین استعمارزدایی از فضاهای نمایشگاهی سنتی‌تر مانند موزه‌ها و گالری‌های هنری از دیگر دلایل است. می‌توان گفت استعمارزدایی از فضاهای نمایشگاهی مانند بیشتر آن با سلیقه بازار را دارند. در حقیقت استعمارزدایی معاصر است که هدفش بررسی تاریخچه استعمرای این نهادها و تلاش فعالانه برای ازبین‌بردن ساختارهای قدرتی و اقتصادی است که نظرات و دیدگاه‌های خاصی را به حاشیه رانده و کنار گذاشته است. همچنین برخی گالری‌ها با استعمار اقتصادی سعی در محدودکردن خلق هنری در راستای هماهنگ‌سازی هرچه بیشتر آن با سلیقه بازار را دارند. در حقیقت استعمارزدایی شامل فسادان به جوامع به حاشیه رانده‌شده و هنرمندانی است که از دنیای هنر طرد شده‌اند. با متمرکزکردن این امکان‌ها، کیوریتورها می‌توانند دیدگاه‌های غرب‌محور را به چالش بکشند و تنوع و فراگیری ر اشاعه دهند؛ با زیر سؤال بردن شیوه‌های غالب ارائه و تفسیر هنر، کیوریتورها قادرند این ساختارها را که رنگ برده و فضاهای عادلانه‌تری ایجاد کنند.

«رویکردهای ترکیبی» در کیوریتوری معاصر از دیگر گرایش‌های رو به رشد است. کیوریتورها، تلاقی هویت‌های مختلف، مانند نژاد، جنسیت، ملیت و طبقه را در شیوه‌های کیوریتوری خود لحاظ کرده و بررسی می‌کنند که چگونه این عوامل خلق و استقبال از هنر را شکل می‌دهند و از این طریق بر تقویت حضور هنرمندان جوامع به حاشیه رانده‌شده، ازجمله هنرمندان خاورمیانه و شمال آفریقا تمرکز می‌کنند؛ یعنی هنرمندانی که ممکن است به‌طور سنتی در مؤسسات هنری اصلی جایی نداشته باشند.

جدد از رویکردهای ترکیبی، «رویکردهای مشارکتی» نیز از روش‌های مسورد توجه کیوریتورهای هنری است. درواقع در سال‌های اخیر کیوریتورها با هنرمندان، محققان، صنعتگران، کنشگران، نویسندگان، اسپانسرها و حتی عامه مردم برای توسعه نمایشگاه‌ها و برنامه‌ها همکاری نزدیک‌تر و مؤثرتری داشته‌اند که مشارکت، تعامل و گفتمان هنری را به‌طور چشمگیری ارتقا بخشیده است. به‌ویژه در منطقه خاورمیانه که میراث فرهنگی غنی‌نظ، تحولات اجتماعی و سیاسی جاری، تعاملات و ارتباطات رو به رشد جهانی بر این همکاری‌های مشترک دامن زده است. بسیاری از هنرمندان معاصر در خاورمیانه از آثار خود برای پرداختن به مسائل مهم اجتماعی و سیاسی، مانند جنگ،



رویکردهای جدید در کیوریتوری هنر معاصر



رزامین‌فر

پژوهشگرهنر

حقوق بشر، بحران‌های محیط زیست و هویت فرهنگی استفاده می‌کنند و رویکردی انتقادی‌تر و کنشی‌تر را در کیوریتوری هنری باعث شده‌اند. در این منطقه، کیوریتور هنری وظیفه‌ای خطیر در ارائه هنر دارد و باید جدا از مسائل روز و معاصر، گوشه‌چشمی هنرمندان یا دوره‌های خاصی تخصص دارند و با مجموعه‌داران و گالری‌ها در ارتباط نزدیک بوده و هدف اصلی آنها تسهیل فروش آثار هنری و درآمدزایی است.

از سوسی دیگر، کیوریتورهای هنر، در درجه اول به اهمیت فکری و فرهنگی هنر توجه دارند. پژوهش و ایجاد روایت، نقطه مشترک آنهاست و در نمایشگاه‌ها و برنامه‌هایی که برای آموزش، انتقال پیام و برانگیختن تفکر از طریق هنر طراحی شده‌اند، تحقیق، انتخاب و ارائه‌را به شکلی جامع به انجام می‌رسانند. درواقع تمرکز آنها در درجه اول بر زمینه و معنای گسترده‌تر هنر است تا صرفاً بر ارزش تجاری آن. آنان به جای اینکه بیشتر بر برند هنرمند و پتانسیل فروش آثار تکیه کنند، بر رساندن پیامی هنری-فرهنگی-اجتماعی از طریق انواع هنری مناسب تمرکز دارند. گرچه باید این مهم را نیز در نظر گرفت که ممکن است بین این دو زمینه دلبله‌ر هنری و کیوریتوری هنر در مقاطعی همپوشانی وجود داشته باشد.

با این همه آنچه نیازمند توضیح و توجه است، روند تغییرات حرفه کیوریتوری در سال‌های اخیر است و به‌نوعی آنچه در این حرفه ترند شده؛ چراکه فارغ از همه توصیف‌ها و تبیین‌ها از چیستی این حرفه و تخصص خاص، بیشتر تحقیقات هنری بر این باورند که در سال‌های اخیر، تغییرات قابل توجهی در کیوریتوری هنر معاصر به سمت رویکردهای فرآیکتر و متنوع‌تر صورت گرفته که ارائه و بحث درباره این رویکردها جان کلام این مقاله است. به‌رروری از فضاهای عمومی» برای نمایش‌های هنری به‌جای گالری‌ها و موزه‌ها از گرایش‌های مهم کیوریتوری هنری معاصر است. نهن‌تها فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، خیابان‌ها و ساختمان‌های عمومی، کارخانه‌های قدیمی و… نسبت به فضاهای سنتی موزه‌ها و گالری‌ها برای طیف وسیع‌تری از مردم در دسترس هستند بلکه با نمایش هنر در فضاهای عمومی، کیوریتورها می‌توانند به شیوه‌ای مستقیم و معنادار با جوامع مخاطب ارتباط گرفته، گفت‌وگو کنند و با افزایش توان درک هنری توسط مخاطبان، حس مالکیت مشترک هنر را ارتقا بخشند. همچنین ارائه هنر در فضاهای عمومی مفاهیم سنتی را در مورد اینکه هنر چیست و کجا باید به نمایش گذاشته شود، به چالش کشیده و به گسترش مرزهای هنر و مرتبط‌کردن آن با زندگی روزمره مردم منجر می‌شود. همچنین استعمارزدایی از فضاهای نمایشگاهی سنتی‌تر مانند موزه‌ها و گالری‌های هنری از دیگر دلایل است. می‌توان گفت استعمارزدایی از فضاهای نمایشگاهی مانند بیشتر آن با سلیقه بازار را دارند. در حقیقت استعمارزدایی معاصر است که هدفش بررسی تاریخچه استعمرای این نهادها و تلاش فعالانه برای ازبین‌بردن ساختارهای قدرتی و اقتصادی است که نظرات و دیدگاه‌های خاصی را به حاشیه رانده و کنار گذاشته است. همچنین برخی گالری‌ها با استعمار اقتصادی سعی در محدودکردن خلق هنری در راستای هماهنگ‌سازی هرچه بیشتر آن با سلیقه بازار را دارند. در حقیقت استعمارزدایی شامل فسادان به جوامع به حاشیه رانده‌شده و هنرمندانی است که از دنیای هنر طرد شده‌اند. با متمرکزکردن این امکان‌ها، کیوریتورها می‌توانند دیدگاه‌های غرب‌محور را به چالش بکشند و تنوع و فراگیری ر اشاعه دهند؛ با زیر سؤال بردن شیوه‌های غالب ارائه و تفسیر هنر، کیوریتورها قادرند این ساختارها را که رنگ برده و فضاهای عادلانه‌تری ایجاد کنند.

«رویکردهای ترکیبی» در کیوریتوری معاصر از دیگر گرایش‌های رو به رشد است. کیوریتورها، تلاقی هویت‌های مختلف، مانند نژاد، جنسیت، ملیت و طبقه را در شیوه‌های کیوریتوری خود لحاظ کرده و بررسی می‌کنند که چگونه این عوامل خلق و استقبال از هنر را شکل می‌دهند و از این طریق بر تقویت حضور هنرمندان جوامع به حاشیه رانده‌شده، ازجمله هنرمندان خاورمیانه و شمال آفریقا تمرکز می‌کنند؛ یعنی هنرمندانی که ممکن است به‌طور سنتی در مؤسسات هنری اصلی جایی نداشته باشند.

جدد از رویکردهای ترکیبی، «رویکردهای مشارکتی» نیز از روش‌های مسورد توجه کیوریتورهای هنری است. درواقع در سال‌های اخیر کیوریتورها با هنرمندان، محققان، صنعتگران، کنشگران، نویسندگان، اسپانسرها و حتی عامه مردم برای توسعه نمایشگاه‌ها و برنامه‌ها همکاری نزدیک‌تر و مؤثرتری داشته‌اند که مشارکت، تعامل و گفتمان هنری را به‌طور چشمگیری ارتقا بخشیده است. به‌ویژه در منطقه خاورمیانه که میراث فرهنگی غنی‌نظ، تحولات اجتماعی و سیاسی جاری، تعاملات و ارتباطات رو به رشد جهانی بر این همکاری‌های مشترک دامن زده است. بسیاری از هنرمندان معاصر در خاورمیانه از آثار خود برای پرداختن به مسائل مهم اجتماعی و سیاسی، مانند جنگ،

تعریف مفهوم کیوریتوری هنری در دنیا و به‌خصوص در ایران همواره با چالش مواجه بوده و این‌جانش نهن‌تها در توضیح واژه و مفهوم کیوریتوری بلکه در تعریف عملکرد و نحوه اجرای آن هم وجود داشته است. اینکه چه کاری دقیقاً کیوریتوری هنری است و چه کسی کیوریتور است، پاسخ به این سوالات دغدغه این مقاله نیست، چراکه مقالات زیادی در این‌باره به نگارش درآمده‌اند. فقط ارائه همین نکته بس که کیوریتورهای هنر و دلبله‌های هنر سنتی (که گاه به اشتباه به آنها کیوریتور گفته می‌شود) شیوه‌های متمایزی هستند که هرکدام اهداف و رویکردهای خاص خود را دارند. دلبله‌ها یا کارگزاران هنری سنتی عمدتاً بر خرید، فروش و ترویج هنر برای کسب سود از طریق بازار هنر متمرکز هستند. دلان هنری اغلب در مورد هنرمندان یا دوره‌های خاصی تخصص دارند و با مجموعه‌داران و گالری‌ها در ارتباط نزدیک بوده و هدف اصلی آنها تسهیل فروش آثار هنری و درآمدزایی است.

مسئله حائز اهمیت دیگر، ضرورت استفاده از رویکردهای جدید کیوریتوری به‌ویژه در منطقه خاورمیانه است. هنر معاصر بازتاب و حتی پاسخ به چشم‌اندازهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در حال تحول است. رویکردهای کیوریتوربال جدید کمک می‌کند تا اطمینان حاصل شود که هنر برای مخاطبان مرتبط، درک‌شدنی و جذاب باقی می‌ماند و از طریق ایجاد تعامل حداکثری با مخاطب، پیام خود را رسانده و رسالت خود را به انجام می‌رساند. این روش‌های نوین در کیوریتوری با زیر سؤال بردن شیوه‌های سنتی ارائه و تفسیر هنر، قادر به به‌چالش کشیدن هنجارهای تثبیت‌شده و گسترش درک ما از آن چیزی است که هنر می‌تواند باشد. از طرفی این رویکردها می‌توانند هنرمندان را تشویق به آزمایش با مواد، تکنیک‌ها و اشکال جدید بیان کنند که منجر به خلق آثار هنری تأمل‌برانگیز و جذاب می‌شود. در کل کیوریتورها با ایجاد نمایشگاه‌ها و برنامه‌های چندوجهی، به‌روز، معنادار و تفکربرانگیز می‌توانند به ایجاد ارتباط عمیق‌تر بین هنر و مخاطبان یاری برسانند. در نتیجه ارتباط بین علم و فناوری برای مدیریت هنر معاصر ضروری است. با پذیرش این پیشرفت‌ها، کیوریتورها می‌توانند نمایشگاه‌های جذاب‌تر، در دسترس و نوآورانه‌تری ایجاد کنند که پیچیدگی‌های دنیای معاصر را بسیار بهتر از قبل بازتاب می‌دهند.

یکی از مهم‌ترین مسائل در درک شیوه‌های نوین کیوریتوری، لزوم توجه به تفاوت رویکردهای کیوریتوری در غرب و خاورمیانه است، گرچه تفاوت‌های بین کیوریتوری هنر در خاورمیانه و غرب چندوجهی است و تحت تأثیر طیفی از عوامل تاریخی، فرهنگی و سیاسی قرار دارد. خاورمیانه تاریخ پیچیده‌ای از نفوذ استعماری دارد که چشم‌انداز فرهنگی و صحنه هنری آن را شکل داده است. شیوه‌های کیوریتوری غربی اغلب منعکس‌کننده دیدگاه استعماری است. درحالی‌که کیوریتورهای خاورمیانه ممکن است بر استعمارزدایی از دنیای هنر و برجسته‌کردن سنت‌های بومی تمرکز کنند. درواقع هنر و شیوه‌های کیوریتوری غربی تأثیر درخورتوجهی بر خاورمیانه داشته است. کیوریتورهای خاورمیانه اغلب با تنش بین حفظ سنت‌های محلی و درگیرشدن با روندهای جهانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. حتی نمایشگاه‌هایی که در غرب برای هنرمندان دیاسپورای خاورمیانه‌ای و با نام یا مفهوم خاورمیانه مدرن برگزار می‌شود، دارای دیدگاهی استریوتیپی است از آنچه غرب تمایل دارد که درباره خاورمیانه تصور کند و نه آنچه خاورمیانه امروزی حقیقتاً هست.

نفوذ نئو و التقاط هنرهای دوره اسلامی با هنرهای سنتی بومی هر کشور و در منطقه خاورمیانه خود موضوعی چندوجهی و کاملاً تخصصی است که کیوریتوری در این منطقه خاص جغرافیایی را با چالش‌هایی مواجه می‌کند. جدای از این مدرنیزاسیون سریع، جهانی‌سازی فرهنگی، مهاجرت، جنگ و درگیری‌های منطقه‌ای و… از دیگر مواردی هستند که درک این جغرافیای پرمخار و شگفت‌انگیز را دشوار می‌کند. از طرفی زیرساخت‌های هنری در خاورمیانه اغلب کمتر از غرب توسعه‌یافته است و موزه‌ها، گالری‌ها و مدارس هنری کمتری دارد که می‌تواند برای کیوریتورها از نظر منابع و دسترسی به ابعاد مختلف هنر چالش‌برانگیز باشد. درمجموع، کیوریتوری هنر در خاورمیانه، حوزه‌ای پویا و چندوجهی است که با اسسک بافت تاریخی، فرهنگی و سیاسی منحصره‌فرد منطقه شکل گرفته است. درحالی‌که شباهت‌هایی با شیوه‌های کیوریتوری غربی دارد، می‌توان گفت خاورمیانه تا حدی چشم‌انداز متمایزی درباره هنر و نقش آن در جامعه ارائه می‌دهد.

در مجموع درباره رویکردهای جدید کیوریتوری هنری، می‌توان انتظار داشت که شاهد تقاضای بیشتر برای کیوریتورها با تخصص در زمینه‌های فرهنگی بوده و روندهای زیر سایه خود را هرچه بیشتر بر این تخصص هنری خواهند افکند.

هنر دیجیتال و رسانه‌های جدید: کیوریتورهایی که در هنر دیجیتال و رسانه‌های جدید تخصص دارند، با محبوبیت روزافزون این اشکال بیان، تقاضای زیادی خواهند داشت. از طرفی نسل‌های جوان مجموعه‌داران آثار هنری به هنر دیجیتال و تجربیات اینترنتی علاقه‌مند هستند که این امر نشان از بازار رو به رشد برای کیوریتورهای متخصص در این زمینه‌ها دارد.

همکاری‌های میان‌رشته‌ای: کیوریتورهایی که در همکاری با هنرمندان رشته‌های مختلف مهارت دارند، موقعیت خوبی برای ایجاد پروژه‌های نوآورانه و جذاب خواهند داشت. همچنین باید در نظر داشت که کیوریتورهای بین‌رشته‌ای اغلب به طیف وسیع‌تری از جریان‌های درآمدی، ازجمله کمک‌های مالی، بوده‌جه. مشارکت‌ها و فرصت‌های صدور مجوز دسترسی دارند که درآمد پایدارتری را در مقایسه با کیوریتورهای سنتی که عمدتاً بر فروش آثار هنری فیزیکی متکی هستند، فراهم می‌کند.

عدالت اجتماعی و کنشگری: کیوریتورهای متعهد به عدالت اجتماعی و کنشگری به دلیل توانایی‌شان در برگزاری رویدادها و برنامه‌هایی که به موضوعات مهم اجتماعی می‌پردازند، همچنین همکاری با شرکت‌هایی که به دنبال انجام مسئولیت‌های اجتماعی خود هستند، مورد توجه خواهند بود.

هنرهای تعاملی و مشارکتی: کیوریتورها با تخصص در ایجاد فضای تعاملی و جذب مشارکت مخاطبان با استفاده از انواع جدیدتر هنری مانند نیومدیا، هنر فضایی، اینستاایش، هنر عمومی و… در مورد تماکز خواهند بود، زیرا دنیای هنر بر این سبک از ارائه و ابراز هنر تأثیر بیشتری خواهد داشت.

گالری‌گردی

روایتی فردی

هم‌نوایی جمعی

سایه بریمانی: ایرج زند، به قولی در طول زندگی‌اش مسیری را پیمود که نه به مقصد بلکه به لحظه‌های ناب ختم شود. آثار او از سال‌های ۵۴ تا ۵۵ از تنوع خاصی برخوردارند. دوره‌های مختلفی که در عین استقلال، یک نوع به‌هم‌پیوستگی دربردارند و این محصول تجربه زیستی این هنرمند، سفرها و مشاهداتش، شعر و ادبیات، حکمت و جست‌وجو در شناخت آثار دنیای پیرامون او بوده و مسیری که دغدغه اصلی‌اش هنر بوده است. اما در این میان، زمان خلق یک اثر به این نکته شاید نیندیشیده بود که از همین درون‌مایه که به خلق اثری ختم می‌شود، می‌توان در زمان‌های دیگر و با بیانی متفاوت، به مشاهده آن و تأثیر آن پرداخت. مجسمه‌های از ورق آهن، نامش عید ۶۷ است؛ خطرات نوروز ۶۷ که یادآور حملات موسیقی به تهران است (برای کسانی که جنگ را تجربه کرده‌اند)، مردی که با قفس پرنده‌ای در حال کریختن است که فقط جاننش را نمی‌برد… روزگاری دیگر، همان مبرد به یاد جنگ بوستنی باز به مدد می‌آید و امروز در روزگاری که در هر نقطه جنگی به پا شده، باز سر بر می‌آورد و قفس پرنده به دست از چهره‌ای نگران و حرکتی پراضطراب به دنبال روزه‌های، باز هم می‌گریزد و با کورسویی از امید، ان دلبسته جدانشدنی‌اش را با خود می‌برد. و اما عاشق و معشوق روایت خود را دارند و در لاف لطیفی از نور و عشق در کنار هم لحظات ناب دلدادگی را سبزی می‌کنند.

در آن سوسور، دو مرد ایستاده، گفت‌وگویی دارند که از چیستی آن هیچ‌کس خبری ندارد. این سه، به هم نزدیک و همچنین از یکدیگر دور هستند… نمایشگاه حاضر، شما را به دیدن این روایت در بنیاد ایرج زند دعوت می‌کند. این بنیاد که فعالیت‌های خود را از پاییز ۱۴۰۱ شروع کرده است، در نظر دارد بخشی از فعالیت‌هایش را به بازمعرفی آثار و دوره‌های فعالیت‌های هنری ایرج زند به نسل‌های جدید و نوجو و هنرمندان و هنردوستان اختصاص دهد.



فهمیه‌اسلام‌کیش درگالری‌ریشه ۲۹

اتاق روبه‌رو عنوان نمایشگاه انفرادی فهیمه اسلام‌کیش است که در گالری ریشه ۲۹ و تا ۱۱دی‌ماه برقرار است. فهیمه اسلام‌کیش، هنرمند و عضو انجمن مجسمه‌سازان و نقاشان ایران، در زمینه‌های هنر محیطی چیدمان و لندآرت فعالیت می‌کند. او در سمپوزیوم‌های ملی و بین‌المللی متعددی شرکت کرده و آثارش در موزه‌ها و گالری‌های مختلف ازجمله موزه هنرهای معاصر کرمان به نمایش درآمده است. اسلام‌کیش همچنین دبیر چهارمین سمپوزیوم ملی مجسمه‌سازی کرمان بوده و در پروژه‌های هنری در کشورهای لبنان، تونس و… مشارکت داشته است. او درحال حاضر رزیدنت جامعه هنری دیپوم است و در آخرین پروژه هنری خود در آذر ۱۴۰۳ طی همکاری با گالری ریشه ۲۹ مجموعه‌ای از آثار خود را با عنوان «اتاق روبه‌رو» به نمایش گذاشت. فهیمه اسلام‌کیش در این نمایشگاه با به تصویر کشیدن دست‌ها و پنهان‌کردن خود از طریق تغییر و افراق، تلاش می‌کند خود را مخفی کند و هم‌زمان دوباره بیابد. نقاشی‌های او دست‌هایی قوی‌تر و برجسته‌تر از بدن نجیشت را نمایش می‌دهند و با استفاده از نقاب‌ها و مخدوش کردن تصویر، پنهان‌کاری روزمره انسان را بازگو می‌کنند. این فرآیند راهی برای کشف «من» واقعی او است؛ جایی که پنهان شدن و کشف دوباره در هم می‌آمیزند. نمایشگاه اتاق روبه‌رو اثر فهیمه اسلام‌کیش در فضای آرت وال (Art Wall) گالری ریشه ۲۹ است و زمان بازدید از این مجموعه هر روز به‌جز یکشنبه‌ها از ساعت ۱۳ تا ۲۱ و در درس: تهران، خیابان فرشته، خیابان آقاپیرزی، روبه‌روی بانک آینده، پلاک ۳۱ امکان‌پذیر خواهد بود.